

عنوان مقاله:

بررسی نحوه ی اعتراض رییس قوه ی قضاییه نسبت به احکام قطعی دادگاه ها

محل انتشار:

اولین همایش ملی یافته های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

عبدالحمید مفتخر - دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

داریوش بابایی - استادیاررتبه هفت دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

خلاصه مقاله:

اعتراض رییس قوه قضاییه نسبت به آراء قطعی محاکم قضایی در تاریخ قضایی این مملکت سابقه نداشته است. برای اولین بار در سال 1378 مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون وظایف و اختیارات رییس قوه ی قضاییه پای رییس قوه ی قضاییه را به اعتراض به احکام دادگاه ها گشود. ماده 2 قانون یاد شده به رییس تشکیلات قضایی این فرصت را داد که در جریان بازرسی از پرونده ها هر جا حکمی را خلاف قانون یا بین شرع تشخیص دهد پرونده را جهت رسیدگی به مرجع صالح بفرستد. باتوجه به عدم محدودیت زمانی در ماده یاد شده سیل شکایات به سمت قوه ی قضاییه سرازیر شد. رییس قوه برای کاهش تراکم پرونده ها به روسای کدادگستری استانها تفویض اختیار کرد تا هرگاه حکمی را خلاف قانون یا موازین شرعی ببینند جهت صدور دستور رسیدگی مجدد در قالب اعاده دادرسی به آن مرجع ارسال دارند این قانون بعدا چند بار اصلاح شد تا سرانجام در قالب ماده 477 قانون آیین دادرسی کیفری پس از طرح شکایت از جانب اشخاص ذینفع و تایید رییس کل دادگستری مبنی بر خلاف بین شرع بودن حکم جهت رسیدگی به دیوان عالی کشور برود. نکته ی قابل تامل در این مسیر صدور بخشنامه رییس قوه قضاییه بود که ادارات کدادگستری را از دریافت شکایات منع می کرد و استدلال رییس قوه این بود که مخاطب قانون مردم نیستند بلکه این رییس قوه یقضاییه است که وفق قانون اگر در جریان بازرسی به موردی برخورد کرد که حکمی خلاف بین شرع صادر شده است دستور ارجاع پرونده به مرجع صالح را بدهد اما در عمل باتوجه به اینکه رییس سلف ایشان پرونده ها را می گرفت و دستور رسیدگی صادر میکرد و پس از تشخیص خلاف قانون و خلاف بین شرع بودن حکم موجبات اعاده ی دادرسی فراهم می شد این رویه هر چند کم رنگ ولی ادامه یافت بخصوص که بخشنامه ی اصداری رییس قوه ی قضاییه با نص صریح قانون که جواز تسلیم شکایات مردمورسیدگی توسط رییس قوه ی قضاییه بود منافات داشت. امروز ماده 477 قانون آیین دادرسی کیفری این مهم را پس از احراز خلاف بین شرع بودن حکم برعهده ی دیوان عالی کشور نهاده است و دیوان یاد شده طبق این قانون علیرغم اینکه تاکنون فقط بهرسیدگی شکلی مامور بود باید وارد ماهیت بشود و رسیدگی کند.

کلمات کلیدی:

اعتراض، خلاف شرع، قانون، اعاده دادرسی، رای قطعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/669931>

